

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میاد
پین بوم ویر زنده یک تن میاد
همه سر به سرتون به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

نعمت الله مختارزاده
شهر، اسن - المان

مشعل درد

برکت، تازه گلی، داده به آب برکت
شهر، دل، یکسره بنموده خراب برکت
زانکه با قافیه و، وزن و، ردیف و، سیلاج
محشری کرده به پا، نغر جواب برکت
خویش را دیده در آئینه تدبیر، مرا
وصف بنموده، به رنگ و به زکاب برکت
من که یک ذره ناچیز و، او، بحر سخا
این گدا، از کرمش، غرف ثواب برکت
پرسشم شد ز جوابش چو معماي دگر
شکوه ناکرده چرا؟ ثبت کتاب برکت
لیک در پاسخ شان، راز نهان میبینم
شور لیلا، سر مجنون، حساب برکت
ضربه تیشه فرهاد، نداد خسرو
سوق شیرین به دل افتاد، ز خواب برکت
دامن یوسف بیچاره، دریدن دارد
تهمتی بسته زلیخا، به قطاب برکت
بلبلان را چه خوشست، نغمه سرایی به چمن

نرگس و ، نسترن و ، یاس و ، گلاب برکت

شمع در ماتم پروانه ، به تن می دوزد

جامه از اشک وفا ، باتب و تاب برکت

مشعل دردم و ، از شعله بی باک نفس

جگرم ، پاره و خونین و کباب برکت

برگ خشکیده پانیزم و ، دُورم ز چمن

کرده شاداب مرا ، چنگ و رباب برکت

دست گلچین فلک ، گرچه مرا پرپر کرد

غنچه تازه ام از لطف سحاب برکت

حال ، از مطلب اصلی ، سخنی میرانم

گر پسند افتاد و ، گردد به مُجاب برکت

به پس پرده اگر نیست خبرهای دگر

ز چه بر نام (خلیل) است نقاب برکت

یکی (مسعودی) و دیگر شده گر (معروفی)

وای ، زان دم که شود خرق حجاب برکت

کرده منع که دگرفاش نسازم رازش

ورنه با (لندی) جانانه ، جناب برکت

حکم تکفیر کند صادر و ، بر گردن من

حلقه دار شود خام ، طناب برکت

« نعمتا » هر چه دهد دوست ، غنیمت میدان

لعن و طعن و عسل و زهر و شراب برکت

(سوم جنوری 2009)